فاطمه نیکویی[1*]، احمد برجعلی[2]، عبدالله معتمدی[2]

[1] کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

[2] استاد گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* نشانی نویسنده مسئول:

دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

نشانی الکترونیک:
fatemenikoe@gmail.com

مقـاله تحقیقی

تبیین مدل روابط ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی براساس ذهنیت طرحواره ای؛ نقش واسطه ای سبک دلبستگی

چکیده

زمینه: هدف از پژوهش حاضر تبیین مدل روابط ساختاری گرایش به روابط فرازناشویی بر اساس ذهنیت طرحواره‌ای؛ نقش واسطه‌ای سبک دلبستگی بود.

روش کار: طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان و مردان متاهل ۲۰ تا ۵۰ سال شهر تهران در سال ۱۴۰۰ (سابقه ازدواج بالای دوسال) بود. روش نمونه گیری پژوهش از نوع در دسترس هدفمند و حجم نمونه ۲۲۹ نفر (۲۰۶ زن و ۲۳ مرد) بود. پرسشنامه های مورد نظر پژوهش، پرسشنامه روابط فرازناشویی بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷)، ذهنیت طرحواره ای یانگ (۲۰۰۱) و پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) بود. تجزیه و تحلیل یافته ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که مدل ساختاری پژوهش با داده های گردآوری شده برازش دارد ($P <$ ۰۱/۰). همچنین مشخص شد سبک های دلبستگی دوسوگرا و ایمن به صورت مثبت و معنادار رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای و گرایش به روابط فرازناشویی را میانجیگری می‌کنند ($P <$ ۰۱/۰).

نتیجه گیری: بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت که ذهنیت‌های طرحواره‌ای و سبک دلبستگی می‌تواند در تعیین مداخلات در حوزه زوج درمانی و روابط فرازناشویی برای روانشناسان و مشاوران مفید باشد.

واژه های کلیدی: ذهنیت‌های طرحواره‌ای، روابط فرازناشویی، سبک دلبستگی

مقدمه

اساس تشکیل خانواده در جامعه، ازدواج است (آماتو[۱]، ۲۰۱۲). یکی از عواملی که سلامت خانواده را به چالش می‌کشد، روابط فرازناشویی نام دارد که مهمترین تهدید برای عملکرد، ثبات و استمرار ازدواج است (بشیرپور، شفیع آبادی و دوکانه ای فرد، ۲۰۲۰). روابط فرازناشویی در زندگی زناشویی یک مسئله مهم اجتماعی است و به گفته رید، می تواند یکی از دلایل اصلی طلاق باشد (تقی پور، اسماعیل، وان جفر و یوسوپ، ۲۰۱۹). به گفته آلن و اتکینز، روابط فرازناشویی احتمال طلاق را نیز دو برابر می کند (شهابی نژاد، علیان، هاشمی گلپایگانی، ۲۰۱۶). روابط فرازناشویی[۲] در زمان تاهل، موجب شوک عمیقی به شریک زندگی و خانواده می گردد. این پدیده در جوامع و فرهنگ های مختلف، به اشکال گوناگون تعریف شده است و هر زوج بنا به تعهدی که در رابطه ی خویش با یکدیگر بنا نهاده اند، نگرش و تعریف خود را دارند (زولا[۳]، ۲۰۰۷). روابط فرازناشویی، آسیبی است که در زندگی هر زوجی، ممکن است رخ دهد. روابط فرازناشویی، نوعی رابطه ی جنسی، عاطفی یا جنسی- عاطفی با فردی غیر از همسر است که از همسر پنهان می شود (مانش[۴]، ۲۰۱۸).

در تحقیقات اخیر، این تعریف گسترش پیدا کرده است که شامل خیانت زناشویی (روابط جنسی بدون هیچ درگیری عاطفی)، خیانت عاطفی (مبادلات عاشقانه بدون هیچ درگیری جنسی) و درگیری جنسی و عاشقانه است (وایلانکورت- مورل، دوگال، پویریر استوارت[۵] و همکاران، ۲۰۱۶). روابط فرازناشویی به عنوان یک راز جنسی، عاشقانه یا درگیری عاطفی که منجر به نقص تعهد رابطه زناشویی می گردد، تعریف می شود (لودوا، جینیس و هاویگر[۶]، ۲۰۱۳). روابط فرازناشویی بر اساس تعریف کلی نقض تعهد روابط دوگانه است که منجر به شکل گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و جسمی با فردی خارج از رابطه می شود (کرمی، ذکی‌ئی، محمدی و حق‌شناس، ۲۰۱۵). هرچند برخی از پژوهشگران معتقدند که روابط پنهانی ممکن است، بیشتر مسائلی فردی باشند تا اینکه رابطه ای (پرل[۷]، ۲۰۱۰). دی استفانو و اولا[۸] (۲۰۰۸) نشان دادند که ٪۲ از مردان و ٪۵ از زنان در ایالات متحده حداقل یک بار در زندگی زناشویی خود، اقدام به روابط فرازناشویی کرده‌اند. اگرچه تک همسری و رابطه جنسی انحصاری به عنوان هنجارهای فرهنگی ذکر می شود، شیوع روابط فرازناشویی در زندگی زناشویی گسترده است (هاو[۹]، ۲۰۱۲).

با توجه به پژوهش های مختلف، بیشتر افراد، انتظار تک همسری در روابط جنسی و پرهیز از روابط نامشروع را از همسران خود دارند ؛ به طوری که در پژوهشی ۹۷ درصد از پاسخگویان بیان کرده اند که افراد متاهل نباید در روابط نامشروع شرکت نمایند (جانسون[۱۰] و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از سودانی، کریمی، مهرابی زاده هنرمند و نیسی، ۱۳۹۱). در این رابطه، براساس بررسی‌های انجام شده، ۲۱ درصد مردان و ۱۱ درصد زنان آمریکایی در طول زندگی خود مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند (دی استفانو و اولا[۱۱]، ۲۰۰۸). در این رابطه، براساس بررسی های انجام شده، پژوهش های اوکوی، اوبی نوسو و نوافور[۱۲] (۲۰۱۸)، لالاز و ویگل[۱۳] (۲۰۱۱)، بارتا و کین[۱۴] (۲۰۰۵) و رفیعی، حاتمی و فروغی (۱۳۹۰) نشان داده اند که به روابط فرازناشویی و سبک دلبستگی ارتباط دارند. به گفته بالبی، کیفیت روابط نزدیک افراد، از اوایل کودکی، در ایجاد بازنمایی های ذهنی خود و دیگران، نقش ایفا می‌کند (ناکهول، آبید، ساکره[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۰). دلبستگی، ارتباط روانی پایدار بین دو انسان است که این پیوند نخستین بار بین کودک و مادر در قالب مدل های ذهنی درونی سازی می‌شود و در گستره وسیعی از روابط شخصی کودک در آینده تعمیم می‌یابد. به علاوه الگوی این روابط یعنی سبک های دلبستگی در طول زندگی پایدار می‌ماند (بالبی[۱۶]، ۱۹۷۷).

هازان و شیور (۱۹۸۷) نظریه‌ی دلبستگی بزرگسالان را بنیان نهادند تا تشریح کنند که دلبستگی اولیه بین کودک و مراقب او، منجر به تفاوت‌های فردی در ابعاد روانشناختی (شناخت و عاطفه)، اجتماعی و نیز انتظارات فرد نسبت به روابط عاطفی می‌شود. بنابراین، موفقیت یک رابطه ی خاص بستگی به این دارد که هریک از اعضای زوج اعتماد دارد که شریکش می تواند آن نیازها را برآورده سازد (ادلر، یورگاسون، سندبرگ و دیویس[۱۷]، ۲۰۱۸). در این رابطه پژوهش براون[۱۸] (۲۰۱۸) نشان داده است که دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی بیشتر و دلبستگی غیرایمن با روابط فرازناشویی رابطه دارد. رضوانی زاده و اسلانی کتولی (۱۳۹۵) نیز معتقدند که سبک های دلبستگی ناایمن می‌تواند، گرایش افراد به روابط فرازناشویی را پیش‌بینی نماید. به طور کلی، پژوهشگران در این ارتباط ایجاد طرحواره های دلبستگی در کودک را عاملی می‌دانند که در تعامل با محیط، نوع رفتار آتی او را تعیین

۱. Amato, P. R
۲. Extramarital
۳. Zola, M. F.
۴. Munsch ,C .L.
۵. Vaillancourt-Morel, M. P, Dugal C, Poirier Stewart, R
۶. Loudová, I. Janiš, K. Haviger, J.
۷. Perel, E.
۸. DeStefano, J. Oala, M.
۹. Howe, A.
۱۰. Johnson, M. D.,
۱۱. De Stefano, J. Oala, M.
۱۲. Okoye, C. A. F. , Obi-Nwosu, H., & Nwafor, C. E.
۱۳. Lalasz, C. B. , & Weigel, D. J.
۱۴. Barta, W. D. , & Kiene, S. M.
۱۵. Nakhoul, L., Obeid, S., Sacre, H.,
۱۶. Bowlby, J
۱۷. Adler, M. C., Yorgason, J. B., Sandberg, J. G., & Davis, S.
۱۸. Brown, T. C.

می‌کند (اردمان و کافی[۱۹]، ۲۰۰۳). اما برخلاف روابط کودک-والد، در روابط بزرگسالان، دلبستگی معمولان دو جانبه است؛ به این معنا که آنها نقش تصویر دلبستگی برای یکدیگر دارند و روابط جنسی یا عاطفی آنها معمولا نقش یک تصویر دلبستگی اولیه دارد (هازان و همکاران، ۱۹۹۴).

انواع سبک دلبستگی عبارت است از: ۱-سبک ایمن (ویژگی آن پاسخگو و در دسترس بودن منبع دلبستگی است)؛ ۲-سبک ناایمن (فرد مدام نگران از دست دادن منبع دلبستگی است) و ۳- سبک اجتنابی (فرد نسبت به منبع دلبستگی بی اعتناست) (هازان و شیور[۲۰]، ۱۹۸۷). احساس امنیت مبتنی بر اعتماد و وفاداری در روابط موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن می‌گردد که یکی از عوامل بسیار مهم در رضایت زناشویی زوج هاست (بانس[۲۱]، ۲۰۰۴). در این رابطه پژوهش براون[۲۲] (۲۰۱۸) نشان داده است که دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی بیشتر و دلبستگی غیرایمن با روابط فرازناشویی رابطه دارد. رضوانی‌زاده و اسلانی کتولی (۱۳۹۵) نیز معتقدند که سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌تواند، گرایش افراد به روابط فرازناشویی را پیش‌بینی نماید. به طور کلی، پژوهشگران در این ارتباط ایجاد طرحواره‌های دلبستگی در کودک را عاملی می‌دانند که در تعامل با محیط، نوع رفتار آتی او را تعیین می‌کند (اردمان و کافی[۲۳]، ۲۰۰۳).

طرحواره‌ها نیز نگرش و عملکرد رابطه را در روابط زناشویی می تواند، تحت تاثیر قرار دهد. براساس تئوری طرحواره یانگ [۲۴] (۱۹۹۴)، آسیب‌شناسی شخصیت در مجموعه‌ای از ذهنیت‌های طرحواره ای [۲۵] منعکس می‌شود که الگوهای گذرا، تکرار شونده رفتار، احساسات و شناخت هستند (آلبرز، انگلس، هاسلبک، بروسبوم و آرنتز[۲۶]، ۲۰۲۱). در این میان، ذهنیت های طرحواره ای از ترکیب فعال‌سازی (تهدیدآمیز) یک طرحواره ناسازگار و نحوه مقابله فرد با این فعال سازی حاصل می‌شود (یانگ، گلوسکو و ویشار[۲۷]، ۲۰۰۳؛ ون ویک - هربرینک[۲۸] و همکاران، ۲۰۱۸). ذهنیت‌های طرحواره ای را می توان به ذهنیت‌های طرحواره ای سالم و ناکارآمد تقسیم کرد. ذهنیت های ناکارآمد ناشی از روش های ناکارآمد مقابله با یک طرح ناسازگار فعال است. بزرگسال سالم نمونه‌ای از یک وضعیت سالم و کودک بی‌نظم نمونه ای از یک وضعیت ناسالم است (آرنتز و جاکوب[۲۹]، ۲۰۱۲). ذهنیت طرحواره ای ترکیبی از طرحواره‌ها و پاسخ‌های مقابله‌ای هستند که با هم برانگیخته می‌شوند. یعنی بین ذهنیت افراد سالم و افراد بیمار تفاوت وجود دارد. در افراد سالم ذهنیت بزرگسال منطقی، قوی‌تر و اغلب فعال است. به همین دلیل می‌توانند همزمان احساسات متضاد را تجربه و هیجانات منفی را کنترل کنند (قهاری، ۱۳۹۶). در حال حاضر، ده ذهنیت طرحواره‌ای مشخص شده است که به چهار گروه اصلی، ذهنیت‌های کودکانه، ذهنیت‌های مقابله ناکارآمد، ذهنیت‌های والد ناکارآمد و ذهنیت بزرگسال سالم تقسیم می‌شوند (یانگ، ۲۰۱۳؛ ترجمه صاحبی و حمیدپور، ۱۳۹۹). یانگ و همکاران (۲۰۱۰) در رابطه با ارتباطی که ممکن است طرحواره‌ها با زندگی و پیوند زناشویی زوجین داشته باشند، معتقد بودند که در جریان زندگی زناشویی علاوه بر طرحواره‌هایی که هر یک از زوجین ممکن است، داشته باشند، در جریان زندگی زناشویی طرحواره‌هایی ایجاد شوند که اگر این نیازهای طرحواره ای ایجاد شده، برآورده نشوند و یا به طرحواره اولیه ناهماهنگ باشند، موجبات شروع ناسازگاری زناشویی و در نهایت طلاق را فراهم می‌کنند.

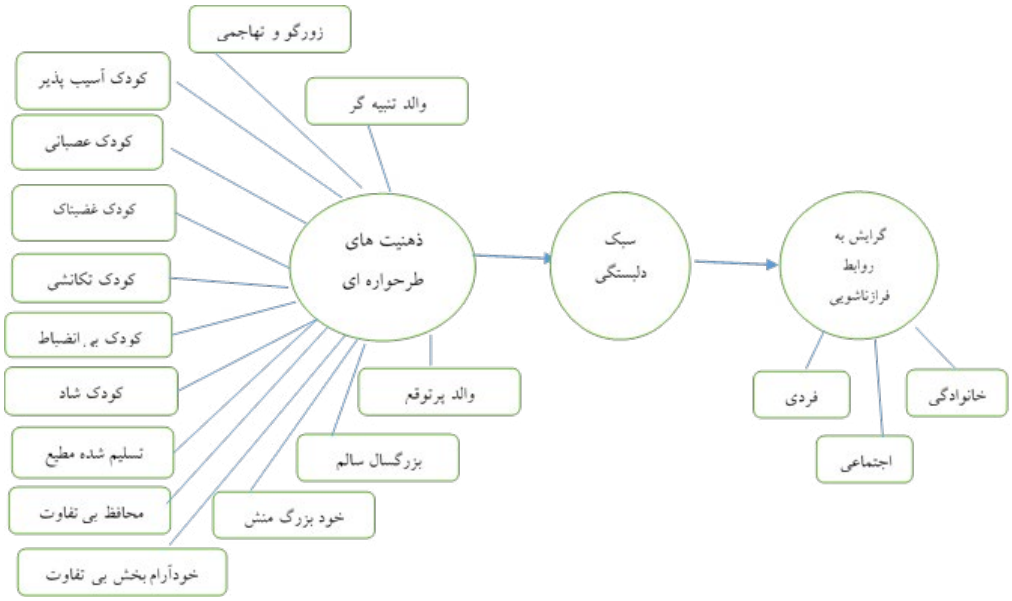
امروزه، پیچیدگی ارتباطات صمیمی و اثرات روابط فرازناشویی بر روی آن، ضرورتی را ایجاد کرده که درمانگران از منظرهای مختلف به این اثرات توجه کنند. ارتباطات صمیمی، متعهدانه و دراز مدت، صرفاً به عنوان ازدواج یک زن و مرد در نظر گرفته می‌شود و برای روابط دیگر منظری ندارد. زوجی که زندگی با یکدیگر را انتخاب می‌کنند؛ با ورود فرزندان خانواده ای را شکل می دهند، تصمیم می گیرند صرفاً با یکدیگر زندگی کنند، همه این ارتباطات تنها در قوانین ازدواج تعیین می شود (پلوسو[۳۰]، ۲۰۰۷). در این زمینه، پژوهش های مربوط به روابط فرازناشویی، به دلایل مختلفی از جمله حساسیت زیاد موضوع و واکنش شدید جامعه اندک است. بنابراین، شناسایی عوامل زمینه‌ساز این موضوع و بخصوص نقش عوامل بین فردی می‌تواند به شناسایی این عوامل کمک کند و راهگشای مفیدی برای ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه باشد. بنابراین، پژوهشگر سعی دارد تا به این سوال پاسخ دهد که آیا سبک دلبستگی در رابطه بین گرایش به روابط فرازناشویی براساس ذهنیت طرحواره ای، نقش واسطه ای دارد؟ همچنین، روابط بین متغیرها به شکل مدل و در قالب یک مدل میانجی تبیین خواهد شد و با مدل تحلیلی نشان داده خواهد شد. مدل اولیه پژوهش حاضر به این شکل است:

روش

طرح پژوهش حاضر، توصیفی- همبستگی با رویکرد معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان و مردان متاهل ۲۰ تا ۵۰ سال شهر تهران در سال ۱۴۰۰ که حداقل دو سال از

۱۹. Erdman, P., & Caffrey, T.
۲۰. Hazan, C. Shaver, P.
۲۱. Banes, R.
۲۲. Brown, T. C.
۲۳. Erdman, P., & Caffrey, T.
۲۴. Young, J. E.,
۲۵. schema modes
۲۶. Aalbers, G., Engels, T., Haslbeck, J., Borsboom, D., Arntz, A.,
۲۷. Klosko, J. S., & Weishaar, M. E.
۲۸. Van Wijk-Herbrink, M. F.,
۲۹. Arntz, A., & Jacob, G.
۳۰. Peluso, PR.

شکل ۱. .....؟



ازدواج آنها گذشته است. با وجود آنکه در مورد حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌های ساختاری توافق کلی وجود ندارد (شریبر، ۲۰۰۶)، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ می‌باشد. (هولتر، ۱۹۸۳؛ گارور و منتزر، ۱۹۹۹؛ سیوو و همکاران، ۲۰۰۶؛ هو، ۲۰۰۸) کلاین نیز معتقد در تحلیل عاملی اکتشافی برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ نفر قابل دفاع است (کلاین، ۲۰۱۰). در پژوهش حاضر، تعداد حجم نمونه ۲۲۹ نفر (۲۰۶ زن و ۲۳ مرد) و با توجه به پراکندگی نمونه ها، به صورت نمونه گیری در دسترس هدفمند انتخاب شد. ملاک ورود به پژوهش نیز تاهل آزمودنی ها، سن بین ۲۰ تا ۵۰ سال و حداقل دو سال سابقه ازدواج بود.

پژوهش حاضر در قسمت مبانی نظری، از تحقیقات کتابخانه ای و از مقالات، کتاب ها و پایان نامه ها و در قسمت جمع آوری داده ها، از پرسشنامه های متناسب با متغیرهای پژوهش استفاده شد. نحوه اجرای پژوهش به این شکل بود که پرسشنامه های مورد نظر پژوهش در ابتدا به صورت آنلاین تدوین شد. سپس، لینک پرسشنامه ها در گروه های مجازی ارسال شد. نحوه ی اجرای پژوهش و اهداف پژوهش، در توضیحات پرسشنامه برای آنها ارائه شد. همچنین، به لحاظ اخلاقی، توضیح داده شد که در صورت رضایت به انجام پرسشنامه، به تکمیل آن بپردازند و نیز نیاز به ذکر نام و نام خانوادگی افراد نیست، و نتایج پژوهش به صورت کلی در پایان نامه استفاده خواهد شد و اطلاعات کاملا محرمانه می باشد. پس از اجرای پژوهش، نمره های خام با استفاده از روش های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزارهای پژوهش

۱) پرسشنامه روابط فرازناشویی: پرسشنامه روابط فرازناشویی توسط بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷) به منظور سنجش روابط فرازناشویی متناسب با معیارهای فرهنگ بومی طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ سوال و سه مولفه خانوادگی، فردی و اجتماعی است و بر اساس طیف لیکرت با سوالاتی مانند (احساس می کنم تحمل اخلاق و رفتار همسرم برای من سخت است) به سنجش گرایش به خیانت زناشویی می پردازد. گویه های شماره ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۳۵ به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در پژوهش بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش بشیرپور و همکاران (۱۳۹۷) برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد. آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر در متغیرهای پژوهش به این ترتیب برآورده شده است: خانوادگی: ۰/۹۲، فردی: ۰/۸۷، اجتماعی: ۰/۸۳.

۲) پرسشنامه ذهنیت طرحواره ای: پرسشنامه ذهنیت طرحواره ای یانگ (۲۰۰۱)، دارای ۱۲۴ سوال بوده و هدف آن سنجش ۱۴ ذهنیت طرح واره ای است. طیف پاسخگویی آن از نوع ۶ لیکرت است. روایی پرسشنامه با استفاده از نظرات اساتید راهنما و مشاور، خوب ارزیابی و تایید شده است. همچنین پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه گردید. آلفای این پرسشنامه در پژوهش صلواتی و یکه یزدان پرست (۱۳۸۹) بالای ۷۰ درصد بدست امد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه است.آلفای کرونباخ مولفه های پرسشنامه به این

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ
ذهنیت طرحواره ای- کودک آسیب پذیر	۲۱/۰۰	۶/۱۷	۰/۷۳
ذهنیت طرحواره ای- کودک عصبانی	۲۴/۲۷	۶/۴۳	۰/۶۹
ذهنیت طرحواره ای- کودک غضبناک	۱۶/۶۳	۵/۹۶	۰/۷۶
ذهنیت طرحواره ای- کودک تکانشی	۲۳/۳۱	۳/۹۸	۰/۶۸
ذهنیت طرحواره ای- کودک بی انضباط	۱۴/۵۳	۳/۴۶	۰/۶۴
ذهنیت طرحواره ای- کودک شاد	۳۷/۳۹	۹/۸۲	۰/۶۵
ذهنیت طرحواره ای- تسلیم شده مطیع	۱۶/۹۴	۴/۲۳	۰/۷۳
ذهنیت طرحواره ای- محافظ بی تفاوت	۱۶/۸۱	۴/۸۲	۰/۷۴
ذهنیت طرحواره ای- خودآرام بخش بی تفاوت	۱۳/۱۷	۳/۳۲	۰/۵۴
ذهنیت طرحواره‌ای- خودبزرگ‌منش	۲۵/۱۰	۵/۶۸	۰/۷۷
ذهنیت طرحواره ای- زورگو و تهاجمی	۲۰/۹۵	۳/۹۸	۰/۷۲
ذهنیت طرحواره ای- والد تنبیه گر	۱۷/۵۲	۴/۲۴	۰/۶۴
ذهنیت طرحواره ای- والد پرتوقع	۲۹/۸۶	۵/۶۴	۰/۶۹
ذهنیت طرحواره ای- بزرگسال سالم	۳۷/۸۷	۸/۳۷	۰/۷۳
سبک دلبستگی - ایمن	۱۸/۱۳	۵/۷۴	۰/۶۶
سبک دلبستگی - اجتنابی	۱۹/۲۷	۵/۳۱	۰/۷۲
سبک دلبستگی - دوسوگرا	۱۵/۵۸	۴/۲۵	۰/۶۳
گرایش به روابط فرازناشویی - خانوادگی	۵۳/۶۵	۱۶/۰۳	۰/۹۲
گرایش به روابط فرازناشویی - فردی	۳۱/۹۱	۷/۹۰	۰/۸۷
گرایش به روابط فرازناشویی - اجتماعی	۱۷/۴۸	۴/۰۵	۰/۸۳

جدول ۱ ضرایب آلفای کرونباخ هر یک از متغیرها را نشان می دهد. همچنان که ملاحظه می شود ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه خودآرام بخش بی تفاوت ذهنیت طرحواره ای تا حدودی پایین است. بنابراین باید در تفسیر یافته های مرتبط با آن احتیاط نمود.

شکل می باشد: ذهنیت کودک آسیب پذیر: ۰/۷۳، ذهنیت کودک عصبانی: ۰/۶۹، ذهنیت کودک غضبناک: ۰/۷۶، ذهنیت کودک تکانشی: ۰/۶۸، ذهنیت کودک بی انضباط: ۰/۶۴، ذهنیت کودک شاد: ۰/۶۵، ذهنیت تسلیم شده مطیع: ۰/۷۳، ذهنیت محافظ بی تفاوت: ۰/۷۴، ذهنیت خودآرام بخش بی تفاوت: ۰/۵۴، ذهنیت خود بزرگ منش: ۰/۷۷، ذهنیت زورگو و تهاجمی: ۰/۷۲، ذهنیت والد تنبیه گر: ۰/۶۴، ذهنیت والد پرتوقع: ۰/۶۹، ذهنیت بزرگسال سالم: ۰/۷۳).

۳)دلبستگی بزرگسالان: این مقیاس توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه شد و شامل ۱۸ سوال است که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجهای از نوع لیکرت سنجیده میشود. پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون را با استفاده از آزمودن مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا مشخص کرد. پاکدامن (۱۳۸۰) روایی سازه برای این پرسشنامه را بررسی کرده است. روایی سازه با استفاده از روایی واگرا (تشخیصی) سنجیده شد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین زیر مقیاس های A و C، A و D در سطح معناداری ۰/۰۱ به ترتیب ۰/۳۱۳- و ۰/۳۳۶- است و ضریب همبستگی بین خردهمقیاسهای C و D در سطح معناداری ۰/۰۱۴ مقدار ۰/۲۴۶ به دست آمد. آلفای کرونباخ پرسشنامه در پژوهش حاضر به این ترتیب می باشد: سبک دلبستگی ایمن: ۰/۶۶، اجتنابی: ۰/۷۲، دوسوگرا: ۰/۶۳.

در پژوهش حاضر ابتدا متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از آمارهای توصیفی و برای آزمون فرضیه های پژوهش حاضر از روش تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. این روش در دو مرحله،

جدول ۲. شاخص های برازش مدل اندازه گیری

شاخص های برازندگی	مدل اولیه	مدل اصلاح شده	نقطه برش
مجذور کای[2]	۴۷۷/۴۲	۲۹۵/۱۶	-
درجه آزادی مدل	۱۱۸	۱۱۴	-
χ^2/df[3]	۴/۰۵	۲/۵۹	کمتر از ۳
GFI[4]	۰/۸۸۲	۰/۹۱۷	۰/۹۰ <
AGFI[5]	۰/۸۲۶	۰/۸۶۲	۰/۸۵۰ <
CFI[6]	۰/۹۰۲	۰/۹۴۶	۰/۹۰ <
RMSEA[7]	۰/۱۱۵	۰/۰۸۳	۰/۰۸ <

جدول ۲ نشان می‌دهد که به استثنای شاخص برازندگی CFI دیگر شاخص های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تاییدی از برازش قابل قبول مدل اندازه گیری اولیه با داده های گرآوری شده حمایت نمی‌کنند (df/x^2=٤/٠٥، CFI=٠/٩٠٢، GFI =٠/٨٩٢ ، AGFI =٠/٨٣٨ و RMSEA =٠/١١٥). به همین دلیل شاخص های اصلاح ارزیابی و براساس آن با ایجاد کوواریانس بین خطاهای نشانگرهای متغیر مکنون ذهنیت طرحواره ای مدل اندازه گیری در چهار مرحله اصلاح و در نهایت شاخص های برازندگی حاصل شد که نشان می دهد مدل اندازه گیری اصلاح شده با داده های گردآوری شده برازش قابل قبول دارد(df/x^2=٢/٥٩، CFI=٠/٩٤٦، GFI=٠/٩١٧، AGFI=٠/٨٦٢ و RMSEA=٠/٠٨٣).

جدول ۳. پارامترهای مدل اندازه گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیر مکنون- نشان-گر	b	β	SE	t
ذهنیت طرحواره ای - کودک آسیب پذیر	۱	۰/۸۳۴		
ذهنیت طرحواره ای - کودک عصبانی	۱/۰۵۹	۰/۸۵۲	۰/۰۶۷	۱۵/۸۸**
ذهنیت طرحواره ای - کودک غضبناک	۰/۶۷۴	۰/۶۷۶	۰/۰۵۹	۱۱/۳۴**
ذهنیت طرحواره ای - کودک تکانشی	۰/۵۷۰	۰/۶۸۱	۰/۰۵۰	۱۱/۴۷**
ذهنیت طرحواره ای - کودک بی انضباط	۰/۴۹۸	۰/۶۸۸	۰/۰۴۳	۱۱/۶۳**
ذهنیت طرحواره ای - کودک شاد	۰/۳۹۴	۰/۳۸۲	۰/۰۶۸	۵/۸۲**
ذهنیت طرحواره ای- تسلیم شده مطیع	۰/۵۳۲	۰/۶۵۸	۰/۰۴۹	۱۰/۹۶**
ذهنیت طرحواره ای - محافظ بی تفاوت	۰/۷۱۹	۰/۷۵۷	۰/۰۵۴	۱۳/۲۸**
ذهنیت طرحواره ای - خودآرام بخش بی تفاوت	۰/۴۲۶	۰/۶۱۸	۰/۰۴۲	۱۰/۱۲**
ذهنیت طرحواره ای- خود بزرگ منش	۰/۵۶۵	۰/۵۲۴	۰/۰۶۸	۸/۲۷**
ذهنیت طرحواره ای - زورگو و تهاجمی	۰/۶۷۱	۰/۷۰۶	۰/۰۵۶	۱۲/۰۵**
ذهنیت طرحواره ای - والد تنبیه گر	۰/۷۵۳	۰/۷۹۹	۰/۰۵۲	۱۴/۳۸**
ذهنیت طرحواره ای - والد پرتوقع	۰/۷۹۶	۰/۶۵۰	۰/۰۷۴	۱۰/۷۹**
ذهنیت طرحواره ای - بزرگسال سالم	۰/۶۶۰	۰/۵۳۵	۰/۰/۰۷۸	۸/۴۹**
گرایش به روابط فرازناشوی - گرایش خانوادگی	۱	۰/۶۱۵		
گرایش به روابط فرازناشویی - گرایش فردی	۰/۶۹۶	۰/۸۶۷	۰/۰۸۱	۸/۵۶**
گرایش به روابط فرازناشویی - گرایش اجتماعی	۰/۲۷۹	۰/۶۷۸	۰/۰۳۵	۷/۹۷**

**P <۰/۰۱

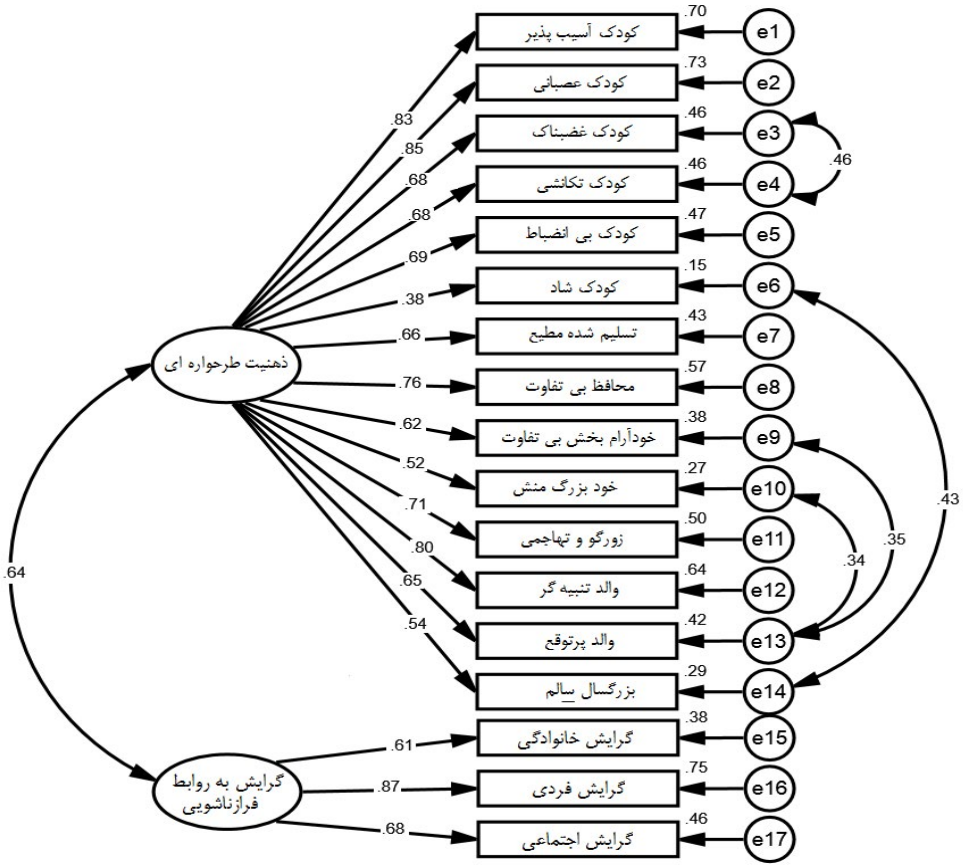
نکته: بارهای عاملی استاندار نشده مربوط به نشانگرهای کودک آسیب پذیر و گرایش خانوادگی با عدد ۱ تثبت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است.

ابتدا به ارزیابی چگونگی برازش مدل اندازه گیری با داده های گرد آوری شده و در ادامه به ارزیابی چگونگی برازش مدل ساختاری با داده ها می پردازد. در این روش برای ارزیابی چگونگی برازش مدل اندازه گیری تحلیل عاملی تاییدی و برای ارزیابی چگونگی برازش مدل ساختاری روش مدل یابی معادلات ساختاری به کار گرفته می شود.

یافته‌ها

جدول ۳ نشان می دهد که بزرگترین بار عاملی متعلق به نشانگر گرایش فردی (β=۰/۸۶۷) و کوچکترین بار عاملی متعلق به

شکل ۱: مدل اندازه گیری با استفاده از داده های استاندارد



نشانگر کودک شاد (β=۰/۳۸۲) است. بدین ترتیب با توجه به این که بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ بود، می توان گفت همه آنها از توان لازم برای اندازه گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردارند. لازم به توضیح است که طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۰۷)، بارهای عاملی ۰/۷۱ و بالاتر از آن عالی، بارهای بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۰ خیلی خوب، بارهای بین ۰/۵۵ تا ۰/۶۲ خوب ، بارهای بین ۰/۴۵ تا ۰/۵۵ نسبتا خوب[۳۱]، بارهای بین ۰/۳۲ تا ۰/۴۴ پایین[۳۲] و بارهای پایین تر از ۰/۳۲ ضعیف محسوب می شود. شکل ۱ مدل اندازهگیری پژوهش و بارهای عاملی آن با استفاده از دادههای استاندارد را نشان میدهد.

به دنبال ارزیابی چگونگی برازش مدل اندازه گیری، در مرحله دوم شاخص های برازندگی مدل ساختاری (شکل ۲) برآورد و ارزیابی شد. در مدل ساختاری پژوهش حاضر چنین فرض شده بود که ذهنیت طرحواره ای هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری سبک های دلبستگی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه دارد. جدول ۲ شاخص های برازندگی مدل ساختاری را نشان می دهد.

فرضیه پژوهش

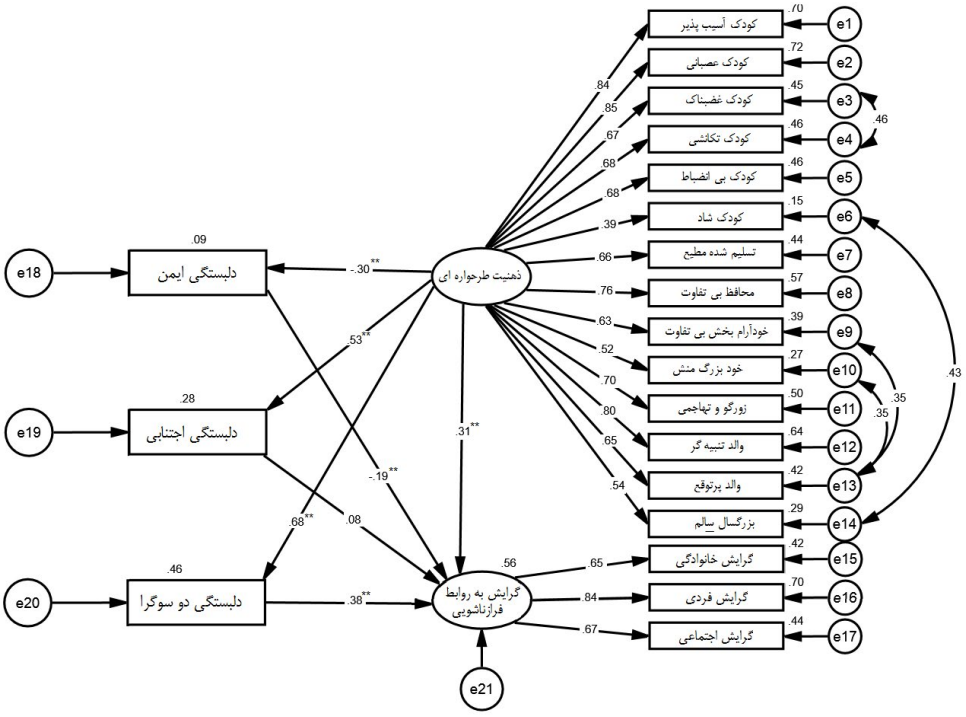
سبک‌های دلبستگی رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای و گرایش به روابط فرازناشویی میانجیگری می‌کند.

جدول ۴ نشان می دهد که شاخص های برازندگی حاصل از تحلیل از برازش قابل قبول مدل ساختاری با داده های گرآوری شده حمایت می کنند (۲χ/df=۲/۲۸، CFI =۰/۹۴۱، GFI =۰/۹۲۲ ، AGFI =۰/۸۷۷ و RMSEA =۰/۰۷۴). بدین ترتیب در آزمون فرضیه پژوهش چنین نتیجه گیری شد که مدل ساختاری پژوهش با داده های گردآوری شده برازش دارد. جدول ۵ ضرایب مسیر در مدل ساختاری را نشان می دهد.

استفاده از فرمول بارون و کنی نشان داد که ضریب مسیر غیرمستقیم بین ذهنیت طرحواره ای و گرایش به روابط فرازناشویی از طریق سبک دلبستگی دوسوگرا (β=۰/۲۶۰، P <۰/۰۱) و از طریق سبک دلبستگی ایمن (β=۰/۰۵۸، P <۰/۰۵) مثبت و به ترتیب در سطوح ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار است. گفتنی است که ضریب مسیر دو متغیر از طریق سبک دلبستگی اجتنابی در سطح ۰/۰۵ معنادار نبود. بر این اساس در آزمون فرضیه چهارم چنین نتیجه گیری شد که سبک های دلبستگی دوسوگرا و ایمن به

۳۱. fair
۳۲. low

شکل ۲: پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش



صورت مثبت و معنادار رابطه بین ذهنیت طرحواره ای و گرایش به روابط فرازناشویی را میانجیگری می کنند. شکل ۲ مدل ساختاری پژوهش در تبیین روابط بین ذهنیت طرحواره‌ای و گرایش به روابط فرازناشویی با میانجیگری سبک‌های دلبستگی را نشان می‌دهد.

شکل فوق نشان می دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه (R^2) برای متغیر گرایش به روابط فرازناشویی با ۰/۵۶ به بدست آمد، این موضوع بیانگر آن است که ذهنیت طرحواره‌ای و سبک‌های دلبستگی در مجموع ۵۶ درصد از واریانس گرایش به روابط فرازناشویی را تبیین می کند.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل ساختاری

شاخص های برازندگی	مدل ساختاری
مجذور کای	۳۶۹/۴۰
درجه آزادی مدل	۱۶۲
x^2/df	۲/۲۸
GFI	۰/۹۲۲
AGFI	۰/۸۷۷
CFI	۰/۹۴۱
RMSEA	۰/۰۷۴

بحث و نتیجه‌گیری

در آزمون فرضیه چهارم چنین نتیجه‌گیری شد که سبک‌های دلبستگی دوسوگرا و ایمن به صورت مثبت و معنادار رابطه بین ذهنیت طرحواره‌ای و گرایش به روابط فرازناشویی را میانجیگری می‌کنند.

نتایج حاصل با نتایج پژوهش‌های رفیعی و همکاران (۱۳۹۱)، عبدی و همکاران (۱۳۹۵)، خیری کادیجانی و اسماعیلی (۱۳۹۵)، آلتینوک و کیلیک (۲۰۲۰)، استوارت (۲۰۱۷)، قهرمانی رودبالی و قادری (۱۳۹۴)، دی وال و همکاران (۲۰۱۱) همسو می باشد.

در تبیین این نتایج می توان اینطور بیان کرد که فرد با ذهنیت های طرحواره‌ای ناکارآمد از اینکه همسرش او را رها کند، ترس افراطی دارد. ذهنیت های طرحواره‌ای ناکارآمد وقتی در بزرگسالی و در روابط زناشویی نمود پیدا کنند و تاثیر زیانباری بر آن می گذارند. از آنجا که طرحواره ها، ناکارآمد هستند، ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و می‌تواند زمینه‌های گرایش زنان به روابط فرازناشویی را مهیا کنند. افراد دارای ذهنیت های طرحواره ای ناکارآمد به علت بی ثباتی در افکار، رفتار و پردازش اطلاعات به طور نادرست در روابط با همسر خود احساس طرد، ناامنی و بی اعتمادی دارند. به همین جهت احتمال دارد برای رسیدن به امنیت و درک همدلی و پذیرش به کسانی گرایش پیدا کنند که به آنها این امنیت و درک همدلی را بدهد و در خارج از چارچوب خانواده با فرد غیر از همسر خود رابطه دوستانه و جنسی برقرار کند.

از سویی دیگر، سبک دلبستگی با گرایش افراد به روابط فرازناشویی رابطه دارد. می‌توان گفت که، سبک دلبستگی ایمن منعکس کننده روابط محبت آمیز و رعایت استقلال از جانب مراقبین است که در برگیرنده احساس اطمینان به خود و مراقبین بوده و در نتیجه

جدول ۵. ضرایب مسیر کل و مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	b	S.E	β	p
ذهنیت طرحواره ای - دلبستگی دو سوگرا	۰/۷۱۹	۰/۰۶۴	۰/۶۷۶	۰/۰۰۱
ذهنیت طرحواره ای - دلبستگی اجتنابی	۰/۲۶۵	۰/۰۳۴	۰/۵۳۳	۰/۰۰۱
ذهنیت طرحواره ای - دلبستگی ایمن	-۰/۱۳۵	۰/۰۳۵	۰/۲۹۹	۰/۰۰۱
دلبستگی دو سوگرا - گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۶۲۴	۰/۱۶۰	۰/۳۸۴	۰/۰۰۱
دلبستگی اجتنابی - گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۲۷۹	۰/۲۴۴	۰/۰۸۱	۰/۲۴۹
دلبستگی ایمن - گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۷۴۶	۰/۲۵۴	۰/۱۹۴	۰/۰۰۱
مسیر مستقیم ذهنیت طرحواره ای - گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۵۲۸	۰/۱۶۷	۰/۳۰۶	۰/۰۰۱
مسیر غیرمستقیم ذهنیت طرحواره ای - گرایش به روابط فرازناشویی	۰/۶۲۳	۰/۱۵۱	۰/۳۶۱	۰/۰۰۱
مسیر کل ذهنیت طرحواره ای - گرایش به روابط فرازناشویی	۱/۱۵۲	۰/۱۷۷	۰/۶۶۷	۰/۰۰۱

P <۰/۰۱** -نکته: بارهای عاملی استاندار نشده مربوط به نشانگرهای کودک آسیب پذیر و گرایش خانوادگی با عدد ۱ تثبت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است.

افراد مستعد تنظیم انعطاف پذیر و قابل تطبیق هیجانات خود می باشند. افراد با سبک دلبستگی ایمن، به احتمال کمتری درگیر روابط فرازناشویی می شوند و گرایش کمتری نیز نشان می دهند. به عبارتی دیگر، بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن آن دسته از افرادی هستند که یک حس مثبت نسبت به خود و درک مثبتی از دیگران دارند و از لحاظ اجتماعی اعتماد به نفس بیشتری دارند و موفق تر هستند (کان، نورمن، ولیورن و کالهون[۳۳]، ۲۰۰۸). آنها نگاه مثبتی از خود دارند (اضطراب پایین) و دیگران را مثبت درک می کنند (اجتناب پایین)، در روابط خود احساس امنیت می‌کنند (حاتمی، فتحی، گرجی و اسماعیلی، ۲۰۱۱). این ویژگی ها سبب می‌شود که این افراد روابط صمیمی و عمیقی با دیگران برقرار کنند، لذا احتمال برقرار کردن روابط فرازناشویی به عنوان رابطه ای نابهنجار و آسیب زا در این افراد کمتر است. بنابراین، در افراد دارای سبک ایمن، اعتماد به خود و تعهد در رابطه، فرد را قادر به برقراری روابط سالم با دیگران می‌کند. افراد ایمن تمایل به شکل دهی روابط نزدیک و صمیمانه با دیگران و اطرافیان دارند و بنابراین به دلیل وجود روابط نزدیک و صمیمی با دیگران و اطرافیان خود کمتر احساس تنهایی می کنند. لذا وقتی یک نفر متاهل در زندگی زناشویی احساس تنهایی کمتری را تجربه کند، برای رفع این احساس تنهایی به دوستی و ارتباط با فرد دیگری غیر از همسر خود گرایش پیدا نمی کنند.

همچنین، دلبستگی ناایمن اضطرابی در افراد متاهل باعث می شود که فرد در احساسات و تعارضات بی‌تعادل باشد و از آنجا که دلبستگی برای رشد سالم فرد اهمیت حیاتی دارد؛ لذا این افراد در طول تعارضاتشان با همسر رفتارهای منفی زیادی از خود نشان می‌دهند. در نتیجه افرادی که رفتارهای منفی دارند و بی تعادل هستند، رضایت و آرامش کمتری دارند. از آنجا که افراد با سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی بیش از حد در روابط صمیمانه درگیر می‌شوند، برای احساس ارزشمندی به دیگران وابسته‌اند و بر هیجانات و تمایلاتشان کنترل ندارند، می توانند در روابط عاطفی خارج از چهارچوب زندگی مشترک درگیر شوند، تعهد زناشویی خود را زیر پا بگذارند و سلامت زندگی زناشویی خود و همسرشان را به خطر اندازند. لذا منطقی است که سبک دلبستگی بتواند روابط فرازناشویی را پیش‌بینی کند. افراد با سبک دلبستگی مضطرب سطح بالایی از صمیمیت نیاز دارند. رفتارهای جنسی آنها بر رفتارهای مراقبت‌کنندگی و تمایل به امنیت و صمیمیت، برتری دارند. انها میل جنسی بالایی دارند و از موقعیت‌هایی استفاده می نمایند تا نیاز برآورده نشده امنیت خود را بازیابند. از آنجا که رابطه با همسر از طولانی‌ترین و مهم‌ترین روابط بشری است نقش مهم و تعیین کننده سبک دلبستگی ایمن درحفظ و پیشبرد آن روشن‌تر و مشخص‌تر می‌شود.

برای روشن شدن قضیه به نظریه بالبی اشاره می کنیم که، معتقد بود رفتار انسان را تنها از طریق بررسی محیط انطباقی آن یعنی محیط بنیادی که این رفتار در آن محیط تکامل یافته است، می توانیم درک کنیم. درواقع، کودکان در طی مراحل دلبستگی، پیوند عاطفی باثباتی با مراقبت‌کننده برقرار می‌کنند که در غیاب والدین می‌توانند از آن بعنوان یک پایگاه امن استفاده کنند. این بازنمایی درونی، جز مهمی از شخصیت می‌شود که بعنوان الگوی واقعی درونی با یک رشته انتظارات، درباره ی در دسترس بودن شخصیت های دلبستگی و احتمال فراهم آوردن حمایت در مواقع استرس، عمل می‌کند. این تصویر ذهنی، الگو یا راهنمایی برای روابط صمیمی در آینده می‌شود (برک، ۲۰۰۱). همچنین، وی۲ (بالبی،

۳۳ - Can, Norman, Welbourne & Calhoun

۱۹۷۶) بیان می‌کند که دلبستگی در روابط والد و کودک به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات فرد در هر زمانی از زندگی، از نوزادی تا بزرگسالی تاثیر بگذارد.

هر پژوهشی با محدودیت هایی مواجه است. در پژوهش حاضر، محدودیت‌های پژوهش عبارت بودن از: خودگزارشی بودن پرسشنامه‌ها، تعداد بالای سوالات پرسشنامه‌ها، آنلاین بودن اجرای پژوهش و در نتیجه انتخاب آزمودنی‌ها به دلیل شرایط بیماری کرونا، متغیرهای مداخله‌گر مانند بارفرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار بر پاسخگویی افراد به سوالات پرسشنامه‌ها که تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌سازد. با توجه به نتایج پژوهش و اهمیت موضوع روابط فرازناشویی و مشکلاتی که در این رابطه برای زوجین به وجود می‌آید، پیشنهاد می‌شود مشاوران و روانشناسان با آگاهی بخشی به خانواده ها از طریق اجرای کارگاه های آموزشی از بروز ارتباطات ناسالم بین فردی در خانواده‌های متاهل پیشگیری کنند. همچنین می‌توان پیشنهاد کرد که سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی زوجین را با راهکارهای لازم به سبک دلبستگی ایمن سوق دهند. با توجه به ارتباط ذهنیت‌های طرحواره ای با گرایش به روابط زناشویی نیز، پیشنهاد می شود در مشاوره‌های پیش از ازدواج به بررسی این عامل پرداخته شود و راهکارهای مطلوب در زمینه بهبود روابط زوجین ارائه شود.

منابع

۱. خیری کادیجانی، س؛ اسماعیلی، ع. (۱۳۹۵) پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس ذهنیت های طرحواره ای. کنفرانس ملی دانش و فناوری روانشناسی، علوم تربیتی و جامع روانشناسی ایران. تهران

۲. رضوانی زاده، ا؛ اسلانی کتولی، ا. (۱۳۹۵) پیش‌بینی روابط فرا زناشویی از روی سبک‌های دلبستگی، عزت نفس و میزان خودشیفتگی در بین دانشجویان متأهل. پیشرفت های نوین در علوم رفتاری؛ ۱ (۲) :۳۶-۴۵

۳. رفیعی، س؛ حاتمی، ا؛ فروغی، ع. ا. (۱۳۹۰). رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای سابقه خیانت زناشویی. فصلنامه جامعه شناسی زنان. ۲ (۱). ۵۹-۴۳

۴. سودانی، م؛ کریمی، ج؛ مهرابی زاده هنرمند، م؛ نیسی، ع. (۱۳۹۱) اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش آسیب های ناشی از خیانت همسر. تحقیقات علوم رفتاری. ۱۰. ۴. ۵-۰

۵. عبدی، م. ر. خوش کنش، ا. تقی پور، ا. محمدی، ر. (۱۳۹۵). بررسی سبک دلبستگی و رضایت زناشویی افراد متأهل درگیر خیانت اینترنتی. مطالعات روانشناختی. ۸. ۳. ۵-۰

۶. قهاری، ش. (۱۳۹۶) تغییر طرحواره ها. چاپ اول. تهران: انتشارات رشد

۷. قهرمانی رودبالی، ز؛ قادری، ز. (۱۳۹۴) بررسی رابطه سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زوجین شهر شیراز. دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی. علوم تربیتی و سبک زندگی. مشهد

۸. یانگ، ج؛ کلوسکو، ژ؛ ویشار، م. (۲۰۱۳). طرحواره درمانی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۹). تهران: انتشارات ارجمند

9. Aalbers, G., Engels, T., Haslbeck, J., Borsboom, D., Arntz, A., (2021) The network structure of schema modes. Clinical Psychology & Psychotherapy published by John Wiley & Sons Ltd. https://doi.org/10.1002/cpp.2577

10. Altınok A, Kılıç N (2020) Exploring the associations between narcissism, intentions towards infidelity, and relationship satisfaction: Attachment styles as a moderator. PLoS ONE 15(11): e0242277. https://doi.org/10.1371/journal.pone.0242277

11. Amato, P. (2012) The consequences of divorce for adults and children: an update, Pennsylvania state university; 25-6.

12. Arntz, A., & Jacob, G. (2012). Schema therapy in practice: An introductory guide to the schema mode approach. Chichester, West Sussex: John Wiley & Sons.

13. Banes R. (2004) Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. JSPR; 21(2): 273-82

14. Barta, W. D. , & Kiene, S. M. (2005). Motivations for infidelity in heterosexual dating couples: The roles of gender, personality differences, and sociosexual orientation. Journal of Social and Personal Relationships, 22(3), 339-360.

15. Bashirpour, M., Shafi'abadi, A., & Doukaneifard, F. (2020). Factors affecting the tendency to marital infidelity: A grounded theory study. Journal of Qualitative Research in Health Sciences, 8(4), 16-27.

16. Bowlby J. (1977) The making and breaking of affectional bonds. I. Aetiology and psychopathology in the light of attachment theory. An expanded version of the Fiftieth Maudsley Lecture, delivered before the Royal College of Psychiatrists.The British Journal of Psychiatry; 130, 201-210.

17. Brown, T. C. (2018). Negative parental attachments as a contributing factor in the development of the other woman and their attitudes about infidelity . A Ph.D. dissertation in Professional Psychology, Chicago University

18. Cann, A., Norman, M. A., Welbourne, J. L. & Calhoun, L. G. (2008). Attachment styles, conflict styles and humour styles: interrelationships and associations with relationship satisfaction, European Journal of Personality, 22, 131-146.

19. De Stefano J, Oala M. (2008) Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. Family Journal; 16(1): 13-9.

20. DeWall, C. Nathan, Nathaniel M. Lambert, Erica B. Slotter, Richard S. Pond, Jr., Timothy Deckman, Eli J. Finkel, Laura B. Luchies, and Frank D. Finchman. (2011) "So Far Away From One's Partner, Yet So Close to Romantic Alternatives: Avoidant Attachment, Interest in Alternatives, and Infidelity." Journal of Personality and Social Psychology 101.6: 1302-316

21. Erdman, P., & Caffrey, T. (2003). Attachment and Family Systems conceptual, Empirical, and therapeutic relatedness. New York: Brunner-Rutledge.

22. Garver, M. S. and Mentzer, J.T. (1999) Logistics research methods: Employing structural equation modeling to test for construct validity, Journal of Business Logistics, 20, 1. 33-57.

23. Hatami varzaneh, A., Fathi, E., Gorji, Z., & Esmaeily, M. (2011). The Relationship between parenting styles and Attach-

ment Styles in men and women with infidelity. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 15, 3743-3747.

24. Hazan C, Shaver P. (1987) Romantic love conceptualized as an attachment process. JPSP; 52(3):511-24.

25. Hoe, Siu. Loon., (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique, journal of applied quantitative methods, 3, 1. 76-83.

26. Hoelter, D. R. (1983) The analysis of covariance structures: Goodness-of-fit indices, Sociological Methods and Research, 11, pp. 325–344.

27. Johnson, M. D., et al. (2001). The evolution and future of national customer satisfaction index models, Journal of Economic Psychology, 22: 217-245.

28. Kline, R. B. (2010). Principles and Practice of Structural Equation Modeling, Series Editor's Note by Todd D. Little, The guilford press, New York London

29. Lalasz, C. B. , & Weigel, D. J. (2011). Understanding the relationship between gender and extradiadic relations: the mediating role of sensation seeking for intentions to engage in sexual infidelity . Personality and Individual Differences, 50(7), 1079-1083.

30. Munsch, C. L. (2018). Correction: "Her support, his support: Money, masculinity, and marital infidelity. American Sociological Review, 80(3), 469–95.

31. Nakhoul, L., Obeid, S., Sacre, H., Haddad, C., Soufia, M., Hallit, R., Akel, M., Salameh, P., Hallit, S. (2020) Attachment style and addictions (alcohol, cigarette, waterpipe and internet) among Lebanese adolescents: a national study. BMC Psychology, 8: 33

32. Okoye, C. A. F. , Obi-Nwosu, H., & Nwafor, C. E. (2018). Influence of infidelity and socio-economic status on domestic violence. Social Science Research, 4, 1-13

33. Peluso PR. (2007) Infidelity: A Practitioner's Guide to Working with Couples in Crisis. Routledge.

34. Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review. Journal of Educational Research, 99, 323–337

35. Shahabi Nezhad, Z., Alian, B., & Hashemi Golpayegani, F. (2016). Effectiveness of group counselling on improvement of marital relationship in infidelity-affected mothers of students in Tehran city. European Online Journal of Natural and Social Sciences; 5,.2. 309-316.

36. Sivo, S. A., Fan, X. T., Witta, E .L. and Willse, J. T. (2006) The Search for 'Optimal' Cutoff Properties: Fit Index Criteria in Structural Equation Modeling, The Journal of Experimental Education, 74, 3, pp. 267-289.

37. Stewart. C. M., "Attitudes, Attachment Styles, and Gender: Implications on Perceptions of Infidelity" (2017). UNLV Theses, Dissertations, Professional Papers, and Capstones. 3172. http://dx.doi.org/10.34917/11889756

38. Taghi Pour M, Ismail A, Wan Jaafar WM, Yusop YM. (2019) Infidelity in Marital Relationships. Psychol Psychology Res Int J; 4(2): 000200.

39. Vaillancourt-Morel MP, Dugal C, Poirier Stewart R, Godbout N, Sabourin S, Lussier Y, et al. (2016) Extradyadic sexual involvement and sexual compulsivity in male and female sexual abuse survivors. J Sex Res; 53(4-5): 614-25.

40. Van Wijk-Herbrink, M. F., Bernstein, D. P., Broers, N. J., Roelofs, J., Rijkeboer, M. M., & Arntz, A. (2018). Internalizing and externalizing behaviors share a common predictor: The effects of early maladaptive schemas are mediated by coping responses and schema modes. Journal of Abnormal Child Psychology, 46(5), 907–920. https://doi.org/10.1007/s10802-017-0386-210 AALBERS ET AL.

41. Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). Schema therapy: A practitioner's guide. New York: The Guilford Press.

42. Zola, M. F. (2007). Beyond infidelity-related impasse: An integrated, systemic approach to couple's therapy. Journal of systemic therapies, 26(2), 25-41.